

ای منادی میثاق مدّیست که قلم عبدالبهاء مخاطباً بآنجناب چیزی نگاشته

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۶۱۷

هو الله

قزوین

حضرت سمندر نار موقده الهیه علیه بهاء الله الأبهی

هو الله

ای منادی میثاق مدّیست که قلم عبدالبهاء مخاطباً بآنجناب چیزی نگاشته ولی این قصور از شدّت غوائل اهل فتور است که دمی نیاسایم که بیاد یاران زبان پیاریم ولی همواره این آواره پیاد دیدار ابرار در روح و ریحانست و همیشه بآستان یزدان عجز و نیاز آرد که توفیق و تأیید بخشد و هریک را بعواطف رحمانیه و الطاف ربّانیه در هر دم مشمول فرماید و یقین است که این تضرّع و زاری در درگاه بزرگواری مقبول و مقرون بعنایت و احسان حضرت رحمانست و الحمد لله نفوسی الیوم در ظلّ میثاق محشور که مغناطیس عون و عنایت ربّ غفورد و مرکز صون و حمایت موفور آثار موهبت ربّانیه در جبین مبین دارند و از نور یقین رخی چون بهشت برین این مواهب سبحانیه فی الحقیقه در حقّ این عبد ذلیل مبذول و این الطاف بی پایان در حقّ عبدالبهاء رایگان و شایان زیرا سرور دل و جانند و آسایش وجدان چه که سرور در اینست که نفوسی مبعوث گردند آیت هدی شوند و رایت ملأ اعلی و موهبت ملکوت ابهی الحمد لله آثار باهره این موهبت عظمی از وجوه نوراً واضح و عیان و اخبار آن ناحیه مبتله سبب سرور دل و جان نفحات آن گلشن محبت الله منعش ارواح و محی اشباح زیرا در بین احبّ الف کلیّه و محبت صمیمیه الهیه حاصل و فی الحقیقه این از مساعی خیریه آنحضرتست و نوایای صادقه یاران آن محضر

اللهم یا الهی زد هؤلاء العباد حبّاً بجمالک و انر ابصار قلوبهم بنور عطائک و نفذ کلماتهم فی صدور الوری و انصرهم بجنود من ملئک الأبهی و ایدهم بشدید القوی و مکّهم فی الأرض بقدرتک القاهرة علی الأشياء و اجعلهم اعلام الهدی تخفق بأریاح الموهبة الکبری فی اعلی قمم المجد و العلی انک انت الرحمن انک انت المعطى الکريم و لک الحمد یا الهی بما انعشت



ORIGINAL

مشامّ هذا المشتاق بنفحات عبقت من رياض القلوب و فتحت على قلبي باب السّرور من الفة اهل الجبور المنشرحى الصدور
عباد ما اخذتهم شبّهات اهل الغرور و نسوا غيرك و آسوا بذكرک و ثبتوا على عهدک و نطقوا بثنائک و روجوا دينک و
اعلوا کلمتک و نگسوا العلم المنحوس و رفعوا راية الهدى على الطود الأعلى انک انت توفّق اولى النهى و تختصّ برحمتک
من تشاء و انک انت الرّحيم القوى المعطى الرّؤف

ای کاش جميع بقاع مانند آن ولا کلّ احبّا متحد و متّفق بودند اگر چنین بود نور مبین روی زمین را احاطه نموده بود
اليوم اعظم امور و اهمّ اشياء يگانگی احبّاست تا يگانه رخنه ننماید و مرغ مشئومی در این گلشن لانه و آشیانه ننماید قوّت
جندیّه حصن حصين محبّت و الفت احبّاست که مترادف بجيوش ملکوت ابهى بايد بقدر امکان سعی بليغ مبذول فرمائيد
که مواقع متجاوره نیز از آن وحدت روحانيّه نصیبي برند و بهره ئی گیرند هرچند یاران هر ديار الحمد لله متحدند و متّفق
ولی آن الفتی که بايد و شايد هنوز جلوه نموده و آن کأس موهبت الى الآن طافح نگشته لهذا اگر ممکن باشد و فتور در
امور حاصل نگردد یک سفر بصفحات زنجان و آذربايجان تشریف ببريد و جميع ياران را تشويق و تحريص کنيد تا شمع
الفت در انجمن وحدت چنان برافروزد که ظلمات آفاق محو گردد بسيار لازمست که نفس مبارکی بکمال حکمت به
زنجان و تبريز و ميلان و ممقان و خوی و اروميه و آن اطراف برود ولو عبور و مرور باشد آذربايجان استعدادش بسيار اما
دورافتاده و عبور و مرور بندرت واقع لهذا هريک از ياران الهی را ملاحظه نمائيد که استعداد خدمت و جوشش محبّت
و قوّه الفت و نطقی گویا و گوشي شنوا و چشمی بينا دارد بآنصفحات روانه نمائيد تا دوری زند و نفوس را بموهبت الهيه
بشارت دهد و قلوب را زنده کند و هياکل را تر و تازه نماید مرور و عبور احبّا بر ديار سبب سطوع انوار است و نشر
آثار و ديگر آنکه نهالهای بوستان محبّت الله انجال کرام را تکبير ابدع ابهى برسانيد

يا محبوبی الأبهی و يا مقصودی الأعلى انک لتعلم أنّ عبدالبهّاء راض من احبّاء ارض القاف و ما حوله و يحبّهم بروحه و
انّ قلبه شغف بحبّهم و روحه مرتاحة اليهم و يذکرهم في مناجاته في جنح اللّیالی و رابعة النّهار و يشرح بذکراهم کلّما قرّت
عينه بمشاهدة آیاتک الکبری ربّ انهم عبادک المخلصون و ارقّائک الموقنون ايدهم في کلّ الشّئون و زينّ سرائرهم بتجلیات
رمزک المصون و فيوضات سرّک المکنون انک انت الحیّ القيّوم و انک انت العزيز المحبوب ع ع